



### سختی‌ها و پشتوانه‌ها

مسیر مهرانه آسان نبوده است. هزینه‌ها و سرمایه اولیه عمدتاً توسط مرضیه رضایی و همسرش تأمین شده است. این راشادی شاملومی گوید و ادامه می‌دهد: از همان اول از خانه‌شان به عنوان کارگاه استفاده می‌شد، تا الان که فروشگاه‌ها برپا کرده‌اند که محل فروش آثار هنری مهرانه باشد. برای مستمر بودن مهرانه پشتوانه مالی لازم است که در حد توانایی همراهی می‌کنیم. زیرا همه اعضا باور دارند که این کار باعث برکت زندگی‌شان شده است.

مرضیه رضایی این‌طور برایش این کار معنا پیدا کرده است که: آدمیزاد یک سقف بالای سر و یک لقمه نان نیاز دارد و بس. پول جمع کردن و حرص مال دنیا را خوردن تلاشی بیپوده است. معنای زندگی من همین فعالیت هنری با نیت سلامتی کودکان است. مرضیه خانم دو فرزند دختر دارد و همسری که همیشه در کنارش است.

### فروش، نه از سر هیجان

«در مهرانه تخفیف به معنای رایج وجود ندارد. این را مرضیه خانم می‌گوید و ادامه می‌دهد: قیمت‌ها طوری تنظیم شده‌اند که هم‌شان هنر حفظ شود و هم افراد بتوانند مالی متفاوت بتوانند مشارکت کنند. آثار خلق شده از مبلغ‌های صد هزار تومانی تا چند میلیون تومان است. هدف ما کمک به بچه‌ها و آسیب‌زدن به محیط زیست است. این معلم بازنشسته حتی با خرید هیجانی هم موافق نیست و می‌گوید: صرف اینکه درآمدی به خیریه برسد، کافی نیست، بلکه کالا باید مورد نیاز هم باشد. در مهرانه تولید محصولات هنری با هدف کیفیت ماندگاری بالاست؛ محصولی که چند سال قابل استفاده باشد، نه دور انداختنی و زودگذر.

داشت. او از وقتی بهبود بچه‌ها را دید و اینکه سرطان کودکان اگر به موقع تشخیص داده شود، درمان شدنی است، همه تلاشش را با گروهش می‌کند که در هزینه‌های درمان کمکی باشد تا مبادا روزی خانواده‌ای مجبور باشد به خاطر هزینه‌ها، درمان فرزندش را رها کند.

### از خانه تا فروشگاه

مرضیه خانم در ادامه به شروع رسمی فعالیت گروهشان اشاره می‌کند که از اردیبهشت ۱۴۰۳ بوده است، اما شادی خانم، شروع را از سال ۱۴۰۱ می‌داند، همان روزهایی که مرضیه خانم پایش شکسته و دست‌هایش بیکار مانده بود. می‌گوید: اول پیشنهاد کار با کاموهای کنار گذاشته‌ام را دادم که باید به موتیف‌های رنگارنگ (بافت‌های کوچک قلاب بافی) تبدیل می‌شد. هر هفته خانه مرضیه خانم می‌رفتم و کارها را برایش می‌بردم و او هم تا هفته بعد آن‌ها را به هم وصل می‌کرد. شادی شاملو برای نشان دادن نمونه کار به پتوهای رنگارنگی اشاره می‌کند که روی رگال نشسته‌اند و خودنمایی می‌کنند. خانم رضایی درباره چگونگی انتخاب عنوان مهرانه برای فعالیتشان می‌گوید: اتفاقی بود، اما معنادار انتخاب شد. در یکی از دوره‌های دوستانه که بودیم، وقتی صحبت از فعالیت‌های هنری بود، یکی از آشنایان گفت وقتی کارتان پر از مهر و عشق است، چرا اسمش مهرانه نباشد؟! در آن روز بود که اسم مهرانه متولد شد و بلافاصله به لوگو و عنوان صفحه مجازی ما تبدیل شد. البته این را بگویم که فروش ما مستقیم به حساب خیریه می‌رود. حتی حساب مشترک هم نداریم و با دستگاه کارت‌خوان خود مؤسسه کار می‌کنیم.

پارچه‌های قدیمی جانی تازه گرفته است. برایم معنا دارد، نه خستگی و سوزش جای سوزن! به نظر من تکه پارچه‌های قدیمی فقط یک پارچه ساده نیستند، خاطره‌اند، روایت‌اند که در من باعث انگیزه خلق یک اثر هنری برای درمان بچه‌ها می‌شوند.

### اشتیاق برای ادامه

کم‌کم حرف از انگیزه‌ای فداکارانه می‌شود که این خانم‌ها پای آن ایستاده‌اند. مرضیه رضایی از مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان می‌گوید: بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ کودک زیر پوشش این مؤسسه هستند. هزینه دارو و درمان هر کودک در یک روز حدود ۲۵۰ هزار تومان می‌شود. این مؤسسه از سال ۱۳۹۴ شروع به فعالیت کرد و بیش از ۱۰ سال است که فعالیت می‌کند. همکاری ما با برگزاری بازارچه‌های هنری با این مؤسسه شروع شد و ادامه پیدا کرد. من یکی که با شور و اشتیاق هر صبح بیدار می‌شوم و با انگیزه کارهای خانه را می‌کنم و خودم را به اینجا می‌رسانم. وقتی فروش خوب و رضایتمندی مشتریان را که آن‌ها هم در کار خیرخواهانه شریک بوده‌اند، می‌بینم، دوچندان انگیزه می‌گیرم.

### نهاد امید

به خاطرات خانم‌های مهرانه‌ای می‌رسیم. مرضیه خانم بهترین خاطره‌اش را از جشن بهبودیافتگان می‌داند. بالبخندی رضایتمندانه می‌گوید: پسر جوانی آنجا بود که می‌گفت از کلاس هفتم مبتلا به سرطان شده است. از درد‌هایش برایش گفت، ولی اینکه گفت حالا کاملاً بهبود یافته است، برایم بهترین خبر بود. خبر سلامتی بچه‌ها در آنجا حال عجیبی برایم

